

اقتصاد مقاومتی و خودباوری ملی، فرصت‌ها و چالش‌های تحقق آن

جمیل میلانی

پژوهشگر و کارشناس ارشد علوم سیاسی

milanijamil@gmail.com

اقتصاد مقاومتی مفهومی است که در پی مقاوم سازی، بحران زدایی و ترمیم ساختارها و نهادهای فرسوده و ناکارآمد موجود اقتصادی مطرح می شود، که قطعاً باور و مشارکت همگانی و اعمال مدیریت‌های عقلایی و مدبرانه، پیش شرط و الزام چنین موضوعی است. اقتصاد مقاومتی کاهش وابستگی‌ها و تأکید روی مزیت‌های تولید داخل و تلاش برای خود اتکایی است. اقتصاد مقاومتی در رویارویی و تقابل با اقتصاد وابسته قرار می گیرد. اقتصاد مقاومتی نمی پذیرد که صرفاً مصرف کننده باشد، منفعل نیست و در مقابل اهداف اقتصاد سلطه ایستادگی می کند. اقتصاد مقاومتی به عنوان یک راهبرد و برنامه برای مدیریت وضعیت اقتصادی ایران در شرایطی که تحریم‌هایی علیه ایران وضع شده است، مطرح می باشد. اقتصاد ایران یک اقتصاد رانتیر محسوب می شود که تلاش برای بهبود وضعیت اقتصادی برپایه اقتصاد مقاومتی می تواند به افزایش تولید ملی و بومی سازی تکنولوژی صنعتی و مدرن منجر شود. تحقیق پیش رو به بررسی شاخص‌های اقتصاد مقاومتی و رابطه آن با خود باوری ملی می پردازد. تلاش برای تحقق و پیاده سازی آن فرصت‌های بی بدیلی همچون عدم وابستگی اقتصادی، افزایش تولید ملی و خروج از وضعیت تک محصولی را به دنبال دارد. هرچند چالش‌هایی مثل عدم اجماع نظر مسولان، عدم وجود زیرساخت‌های مناسب و وابستگی اقتصادی به درآمد حاصله از فروش نفت در این راه وجود دارند. اما با تکیه بر خودباوری ملی و با عزم جهادی برای تحقق این هدف می توان به تحول اقتصادی و ارائه یک اقتصاد الگو دست یافت. تحقیق حاضر به صورت توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی به انجام رسیده است.

واژه‌های کلیدی: اقتصاد مقاومتی، خودباوری ملی، اقتصاد الگو، مقاوم سازی، اقتصاد ملی.

۱. مقدمه

فضای اقتصادی ایران امروز، رویدادهای ویژه و منحصر به فرد اقتصادی را شاهد است که وقوع برخی از آنها تاکنون در دنیا سابقه نداشته است؛ از این رو زمانی که شرایط ویژه و بدون الگویی به وجود می آید، ضرورت نوآوری و ایده پردازی از سوی صاحب نظران برای برطرف کردن چالش‌های اقتصادی ضرورت پیدا می کند. در هیچ یک از مکتوبات و نظریه‌های متداول اقتصادی غرب، الگو و پیشینه نظری و عملی مشخصی درباره اقتصاد مقاومتی نمی توان یافت که برای مشکلات اقتصادی همچون تحریم بانک مرکزی، تحریم صنعت نفت و ... در آن نسخه شفابخشی

ارائه شده باشد؛ شاید تحقیقات محرمانه‌ای در این زمینه انجام شده باشد، اما در ترافیک نظریه‌های اقتصادی، قحطی نظریه اقتصاد مقاومتی به چشم می‌خورد. در شرایطی که انبوه الگوهای اقتصادی از حل مسائل اقتصادی امروز ایران عاجز هستند و تحریم‌های گسترده غرب علیه کشورمان رو به گسترش است، ارائه و تبیین الگوی اقتصاد مقاومتی می‌تواند انقلاب عظیمی را در عرصه اقتصاد ایران ایجاد کند.

اقتصاد مقاومتی ادبیاتی است که در مقابله با تحریم‌های بین‌المللی مطرح شده است. هم‌اکنون اقتصاد ایران باید بر مبنا و اصول درستی گام نهد تا از این رهگذر بتواند بر تحریم‌های بین‌المللی فائق آمده و تهدید تحریم را به فرصت تبدیل کند. آن اصول و مبناهایی که اقتصاد ایران باید داشته باشد، ادبیاتی را به نام اقتصاد مقاومتی ایجاد کرده است. سیاست‌های پولی و مالی باید در این ادبیات اقتصادی مشخص شده و همواره به این پرسش پاسخ دهیم که در سیاست‌هایی که انجام می‌دهیم به دنبال چه می‌باشیم. برای اینکه متوجه شویم که سیاست‌های پولی و مالی و غیره چگونه باید باشد و چه جهت‌گیری را باید دنبال کند، اول باید شناخت درستی از اقتصاد ایران و مشکل اصلی اقتصاد ایران داشته باشیم. به عنوان مثال سیاستی با هدفی اجرا می‌شود اما بعد مشخص می‌شود که نه تنها به هدف نرسیده‌ایم بلکه از آن دور هم شده‌ایم. بر این اساس در ادبیات اقتصاد مقاومتی اول از همه باید بدانیم مشکل اصلی اقتصاد ایران چیست؟ پس از آن باید روش درست برخورد با مشکل را شناسایی کنیم و آنجاست که می‌توانیم از نحوه سیاست‌های پولی و مالی و انواع و اقسام سیاست‌های دیگر صحبت به میان آوریم.

با توجه به تأکید مقام معظم رهبری بر لزوم در اولویت قرار دادن الگوها و اصول اقتصاد مقاومتی در ساختار اقتصادی و صنعتی کشور، بدیهی است که در همه حوزه‌های مدیریتی و اجرایی باید مکانیزم‌های این الگوی اقتصادی تبیین و محقق شود. اقتصاد مقاومتی، یک اقتصاد مردمی به شمار می‌رود که بخش خصوصی بازیگر اصلی آن معرفی شده است. بر همین اساس است که رهبر معظم انقلاب در تشریح و تبیین ابعاد مختلف اقتصاد مقاومتی خطاب به مسئولان یادآوری کردند: "بخش خصوصی را باید کمک کرد. اینکه ما اقتصاد مقاومتی را مطرح کردیم، خوب، خود اقتصاد مقاومتی شرایطی دارد، ارکانی دارد؛ یکی از بخش‌هایش همین تکیه به مردم است؛ همین سیاست‌های اصل ۴۴ با تأکید و اهتمام و دقت و وسواس هر چه بیشتر باید دنبال شود؛ این جزو کارهای اساسی شماست."

۲. پیشینه

در ادبیات اقتصادی جهان، اقتصاد مقاومتی مفهومی جدید است اگر چه کمتر بر آن تأکید شده است. با این وجود اصطلاحات و نظریه‌هایی را می‌توان ذکر نمود که نزدیکی و شباهت با آن دارند. نظریه "فتریت اقتصادی"^۱ بریگاگلیو^۲ از جمله آنهاست. بریگاگلیو بیان می‌دارد که اصطلاح فتریت اقتصادی به دو مفهوم به کار می‌رود:

اول، توانایی اقتصاد برای بهبود سریع از شوک‌های اقتصادی تخریب‌کننده خارجی

دوم، توانایی اقتصاد برای ایستادگی در برابر آثار این شوک‌ها (بریگاگلیو، ۲۰۱۱).

در ایران نیز آثار کمی به تبیین اقتصاد مقاومتی پرداخته‌اند و فقط در سال‌های اخیر پس از در دستور کار قرار گرفتن اقتصاد مقاومتی مقالاتی راجع به آن نوشته شده است، با این حال ادبیات موجود کماکان ناکافی است و لازم است نظریه اقتصاد مقاومتی بیشتر و به صورت علمی تبیین و جرح و تعدیل گردد. از جمله مقالاتی که به این موضوع پرداخته‌اند می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

اله‌مراد سیف (۱۳۹۱) در مقاله الگوی پیشنهادی اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر دیدگاه مقام معظم رهبری می‌نویسد: در موضوع اقتصاد مقاومتی تعبیر متنوع و متفاوتی در ادبیات اقتصادی رایج شده است. تعبیری که معنای اصطلاحی (و نه لغوی) آن را به تعریف مقام معظم رهبری نزدیک می‌کند. این مقاله به ادبیات فتریت اقتصادی پرداخته و الگوی مربوط را (فتریت اقتصادی) مورد بحث نظری قرار داده است. در ادامه، ریسک تخریب اقتصاد ملی و نیز سناریوهای رفتاری کشورها در این راستا مورد بحث قرار گرفته و محورهای چهارگانه فتریت اقتصادی بیان شده است. در بخش دیگر مقاله مفهوم اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران باتوجه به بیانات مقام معظم رهبری تشریح شده و مبتنی بر این بیانات، الگویی برای اقتصاد مقاومتی جمهوری ایران شامل مؤلفه‌های رشد اقتصادی، عدالت اقتصادی، ثبات اقتصادی و فتریت اقتصادی پیشنهاد شده است. همچنین دکتر سیف در ادامه مقاله راهبردهای چهارگانه مقابله، خنثی‌سازی، جذب و ترمیم و پخش و تضعیف منطبق بر مسئله تحریم اقتصادی غرب را تشریح و مصادیق آنها را معرفی کرده است.

سید حسین میرمعزی (۱۳۹۱) در مقاله اقتصاد مقاومتی و ملزومات آن با تأکید بر دیدگاه رهبری در صدد ارائه تفسیری روشن از اقتصاد مقاومتی است و به دنبال آن است تا آن را در قالب نظریه‌ای منسجم توضیح دهد و معتقد است که اقتصاد مقاومتی شکل خاصی از نظام اقتصادی اسلام است که

1. Economic Resilience

2. Briguglio

در وضعیت حمله همه‌جانبه اقتصادی دشمن که کیان نظام اسلامی را به خطر می‌اندازد، پدید می‌آید. وی تأکید می‌کند که در نظام اقتصادی اسلام در این وضعیت با تغییر در الویت هدف‌ها و به تبع آن در اصول راهبردی و سیاست‌های کلان و حاکمیت روحیه جهاد بر رفتارهای اقتصادی دولت و مردم، راهبردی کلان طراحی می‌شود که تهدید را تبدیل به فرصت کرده و باعث رشد جهشی می‌شود. محمدحسین حسین‌زاده بحرینی (۱۳۹۲)، در مطلبی تحت‌عنوان "اقتصاد مقاومتی؛ راهکاری برای توسعه" اقتصاد مقاومتی را یک اصطلاح ابداعی و نوآورانه می‌داند که مثل یک موجود زنده مراحل رشد را طی می‌کند. به‌ویژه ایشان به مرحله گفتمان‌سازی در اقتصاد مقاومتی اشاره می‌کنند که از رهگذر گفتگوهای علمی و نقادانه بهترین تبیین و معنا را پیدا می‌کند و حدود و ثغور آن مشخص می‌شود. وی تقلیل اقتصاد مقاومتی به مقاومت اقتصادی را درست نمی‌داند و آن را آغاز یک انحراف در فرایند گفتمان‌سازی فوق می‌داند. وی اقتصاد را نه هدف بلکه وسیله می‌داند که باید مسیرهای درستی در این راه برگزیده شوند.

سیدمرتضی هزاوئی و علی زیرکی‌حیدری (۱۳۹۳) در مقاله اقتصاد مقاومتی؛ نماد مدیریت جهادی در اقتصاد سیاسی ایران می‌نویسند با وقوع انقلاب اسلامی تلاش‌های بسیاری در جهت تحول در وضعیت توسعه‌نیافتگی ایران صورت گرفت که با موفقیت همراه نبوده است، به همین دلیل در شرایط کنونی طرح ایده و نظریه اقتصاد مقاومتی به‌مثابه الگویی از مدیریت جهادی از سوی رهبر انقلاب اسلامی و در پاسخ به فشار وارد کردن به اقتصاد ایران ارائه شده است. نویسندگان معتقدند که اقتصاد مقاومتی می‌تواند عامل مؤثری برای ایجاد تحول اساسی در اقتصاد سیاسی ایران باشد.

عسگری (۱۳۹۱) هم در یادداشتی می‌نویسد، بدیهی است که تعریف یک راهبرد اقتصادی به‌نام "اقتصاد مقاومتی" به نسبت تعامل نظام اسلامی با نظام اقتصادی جهانی از سویی و تقابل و رویارویی یا به عبارت بهتر مقاومت در برابر خواسته‌های استکبار جهانی و عدم پذیرش سلطه آنان، مرتبط است. اقتصاد کشوری که دارای جهان‌بینی خاصی است و این جهان‌بینی با منافع ابرقدرت‌های روز دنیا در تضاد است اقتصاد خاصی خواهد بود، چرا که دشمنی با چنین کشوری پایدار بوده و در هر دوره‌ای به شکلی بروز می‌یابد. از این روی باید همه راهبردها و سیاست‌های کشوری مثل ایران به گونه‌ای طراحی شود که از کیان آن در برابر تهدیدها حفاظت کند و مسیر رسیدن به اهداف کشور را هموار سازد. جمهوری اسلامی ایران که همیشه در معرض دشمنی قرار داشته و در برابر آن‌ها مقاومت کرده است باید اقتصادی متناسب با این وضع داشته باشد که از آن به اقتصاد مقاومتی تعبیر می‌شود. وقتی نظامی مانند نظام جمهوری اسلامی در جبهه مقاومت در برابر استکبار و صهیونیسم جهانی است و امنیت نظام اسلامی در چارچوب مقاومت در برابر نظام سلطه تعریف می‌شود باید

دیگر زیرمجموعه‌های نظام مانند: ساختارهای سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و حتی اقتصادی نظام اسلامی ضرورتاً با همین مفروضه و شرایط مقاومت در برابر استکبار جهانی شکل گیرد و عمل کند. دکتر رهبر و همکارانش (۱۳۹۳) هم در مقاله‌ای تحت عنوان "رهیافتی بر هستی‌شناسی اقتصادی مقاومتی" موضوع اقتصاد مقاومتی را مدنظر قرار داده و تلاش دارند از منظر و دیدگاه اسلامی آن را بررسی نمایند. آنها اقتصاد مقاومتی را اقتصادی می‌دانند که اجازه رشد را در شرایط تحریم و فشار می‌دهد.

۳. مبانی اقتصاد مقاومتی

اعمال تحریم‌های یک‌جانبه و غیرقانونی همواره یکی از ابزارهای غیرقانونی نظام سلطه برای وارد آوردن فشار به نظام جمهوری اسلامی ایران بوده است، کما اینکه اندکی پس از پیروزی انقلاب اسلامی و پس از تسخیر لانه جاسوسی ایالات متحده، آمریکا قانون تحریم نظام جمهوری اسلامی ایران را به اجرا گذاشت و در طول ۳۰ سال گذشته نیز مرتباً بر حجم این تحریم‌ها افزوده شد. رهبر معظم انقلاب بعدها مدل اصلی برای اقتصاد کشور را مدل اقتصاد مقاومتی عنوان کردند و در جمع کارآفرینان کشور در ماه مبارک رمضان سال ۱۳۸۹ به تشریح این مسئله پرداختند. ایشان در این دیدار با اشاره به ضرورت توجه به مدل جدیدی از اقتصاد به نام اقتصاد مقاومتی تصریح کردند: "ما باید یک اقتصاد مقاومتی واقعی در کشور به وجود بیاوریم. امروز کارآفرینی معنایش این است. دوستان درست گفتند که ما تحریم‌ها را دور می‌زنیم؛ بنده هم یقین دارم ملت ایران و مسئولین کشور تحریم‌ها را دور می‌زنند، تحریم‌کنندگان را ناکام می‌کنند؛ مثل موارد دیگری که در سال‌های گذشته در زمینه‌های سیاسی بود که یک اشتباهی کردند، یک حرکتی انجام دادند، بعد خودشان مجبور شدند برگردند، یکی یکی عذرخواهی کنند. چند مورد یادتان هست لابد دیگر. حالا جوان‌ها نمی‌دانند. در این ده بیست سال اخیر، از این کارها چند بار انجام دادند. این دفعه هم همین‌جور است. البته تحریم برای ما جدید نیست، ما ۳۰ سال است تو تحریمیم. همه این کارهایی که شده است، همه این حرکت عظیم ملت ایران، در فضای تحریم انجام گرفته؛ بنابراین کاری نمی‌توانند بکنند. خب، ولی این دلیلی است برای همه مسئولان و دلسوزان کشور که خود را موظف بدانند، مکلف بدانند به ایجاد کار، به تولید، به کارآفرینی، به پر رونق کردن روزافزون این کارگاه عظیم؛ که کشور ایران حقیقتاً امروز یک کارگاه عظیمی است. همه خودشان را باید موظف بدانند". ایشان اقتصاد مقاومتی را مدلی می‌دانند که همراه با مقاومت در مقابل کارشکنی دشمن، خباثت دشمن، معنایش حصار کشیدن دور خود و فقط انجام یک کارهای تدافعی نمی‌داند بلکه اقتصادی است که به یک ملت امکان می‌دهد و اجازه می‌دهد حتی در شرایط تحریم و فشار هم

رشد کند و شکوفایی داشته باشد. هم روند رو به رشد اقتصادی محفوظ می‌ماند و هم آسیب‌پذیری آن کاهش می‌یابد (دفتر حفظ و نشر آثار، ۱۳۹۱).

اقتصاد مقاومتی یک نظام اقتصادی است که هماهنگی با سیاست‌های کلان سیاسی و امنیتی نظام اسلامی و برای مقاومت در برابر اقدامات تخریبی شکل بگیرد تا بتواند در برابر ضربات اقتصادی تحریم‌ها و توطئه‌های گوناگون اقتصادی نظام استکبار مقاومت کرده و توسعه و پیشرفت خود را ادامه دهد و روند روبه‌رشد همه‌جانبه خود را در ابعاد ملی، منطقه‌ای و جهانی حفظ کند. اقتصاد مقاومتی رابطه نزدیکی با انسجام ملی دارد. منظور از اقتصاد مقاومتی واقعی یک اقتصاد مقاومتی فعال و پویاست نه یک اقتصاد منفعل و بسته به‌طوری که کشور ضمن مقاومت در مقابل موانع و ناملایمات مسیر خود، روند پیشرفت پایدار خود را حفظ کند (عسکری، ۱۳۹۱). مفهوم اقتصاد مقاومتی به این معناست که حتی در فرایند فشار روند روبه‌رشد اقتصادی در کشور محفوظ بماند و آسیب‌پذیری آن کاهش یابد و کمتر آسیب بیند (سیف، ۱۳۹۱).

هدف اقتصاد مقاومتی بازسازی و احیای اقتصاد ملی است. این نوع اقتصاد، مردمی است و از ظرفیت‌های مردم و نخبگان در آن استفاده می‌شود، ضمن اینکه از دانش فنی دنیا هم در آن استفاده می‌شود (رضایی، ۱۳۹۱). اقتصاد مقاومتی یعنی اقتصادی که با توجه به همه قوت‌ها و ضعف‌های داخلی و خارجی و تهدیدها و فرصت‌های بیرونی سناریوسازی می‌کند و برای هر شرایطی برنامه دارد و محیط‌سنج است و درون و برون را به‌خوبی می‌شناسد و برای تغییرات واکنش مناسبی دارد (حسین‌زاده بحرینی، ۱۳۹۲). چهار راهبرد کنترل، مهار، کم‌اثر و در نهایت بی‌اثرسازی تهدیدها در فرایند اقتصاد مقاومتی باید مورد توجه قرار گیرد (خوش‌چهره، ۱۳۹۱).

اقتصاد مقاومتی یک بحث تئوریک محض مختص دانشگاه و حوزه نیست، بلکه بیشتر اقتصاد کاربردی^۱ است. اقتصاد مقاومتی یک شعار نیست، یک واقعیت اقتصادی است که شاخص‌های آن ریشه در عمل دارد، نه حرف. این دیدگاه جدید به اقتصاد را می‌توان با واژه اقتصاد مقاومتی^۲ به مجامع علمی معرفی کرد و حتی در مفهوم دقیق‌تر، می‌توان از واژه اقتصاد سیاسی مقاومتی^۳ استفاده کرد و برای ارزیابی آن شاخص‌های اقتصاد سیاسی را تعریف و استخراج نمود، زیرا این واژه یک مفهوم اقتصاد سیاسی است تا یک مفهوم اقتصادی و در پی راه‌حل‌های اقتصاد سیاسی می‌باشد که در عمل و کاربرد بتواند مبتنی بر اقتصاد اسلامی باشد تا نه تنها بر بحران‌های ایجادشده در عرصه

1. Applied Economy
2. Resistive Economy
3. Political Resistive Economy

اقتصاد سیاسی فائق آید بلکه مسیر اقتصاد را در جهتی قرار دهد که آمادگی و آینده‌نگری لازم نیز اتخاذ شده باشد (سایت تیان، ۱۳۹۱).

تعاریف متعددی برای اقتصاد مقاومتی ذکر شده است و آن را با نظریه‌های اقتصادی دیگری مترادف و نزدیک دانسته‌اند. از جمله برای اقتصاد مقاومتی چهار تعریف قائل می‌شوند که عبارتند از:

۳-۱. اقتصاد موازی

تعریف اول از اقتصاد مقاومتی به‌مثابه اقتصاد موازی است؛ یعنی همان‌طور که انقلاب اسلامی با توجه به نیاز خود به نهادهایی با روحیه و عملکرد انقلابی، اقدام به تأسیس نهادهایی مانند کمیته امداد، جهاد سازندگی، سپاه پاسداران و بنیاد مسکن نمود، امروز نیز باید برای تأمین اهداف انقلاب این پروژه را ادامه داده و تکمیل کند؛ چرا که انقلاب اسلامی به اقتصاد مقاومتی و به نهادهای مقاومتی در اقتصاد نیاز دارد که چه بسا ماهیتاً از عهده نهادهای رسمی اقتصادی بر نمی‌آید. پس باید نهادهایی موازی برای این کار ویژه ایجاد کند؛ یعنی ما در کشورمان به اقتصاد پریم نیاز داریم. این امر البته به‌معنای نفی نهادهای مرسوم نیست، کما اینکه اکنون ما همزمان از هر دو نهاد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نهاد ارتش جمهوری اسلامی برای دفاع از انقلاب بهره‌مندیم. البته این الگو در مدل‌های حکمرانی مرسوم در دنیا و اتفاقاً در کشورهایی که از تجربه و توان حکمرانی بیشتری برخوردار باشند وجود دارد و این کشورها از نظام‌های چندلایه سیاستگذاری و اداره امور عمومی برخوردارند. به‌عنوان مثال می‌توانیم از حضور همزمان نهادهای دولتی، سازمان‌های مردم‌نهاد، خیریه و بنگاه‌های خصوصی در عرصه بهداشت و سلامت یا حتی در عرصه دفاعی و امنیتی کشورهای توسعه‌یافته غربی نام ببریم. البته مهم‌ترین مشکل این الگو این است که حسب نیازهای خاص انقلاب اسلامی و در عرصه اجرا با پرسش‌های نوینی روبرو خواهد بود، زیرا مثلاً هیچ تصویری از بانک مرکزی موازی در یک کشور و سامان‌بخشی به عرصه‌ی پولی-مالی کشور در دو لایه دولتی و عمومی وجود ندارد. اما باز هم منطقاً نمی‌توان این الگو را در زمره مدل‌های اداره‌نشده و غیرمعمول به‌حساب آورد.

۳-۲. اقتصاد ترمیمی

تعریف دوم از اقتصاد مقاومتی عبارت از اقتصادی است که در پی مقاوم‌سازی، آسیب‌زدایی، خلل‌گیری و ترمیم ساختارها و نهادهای فرسوده و ناکارآمد موجود اقتصادی است. یعنی اگر در رویکرد قبلی می‌گفتیم که فلان نهاد نمی‌تواند انتظارات ما را برآورده کند، در رویکرد جدید در پی آن هستیم که با بازتعریف سیاست‌های نهادهای موجود، کاری کنیم که انتظارات ما را برآورند. مثلاً

در این تعریف، ما از بانک مرکزی یا وزارت بازرگانی می‌خواهیم که کانون‌های ضعف و بحران را در نظام اقتصادی کشور شناسایی کنند و خود را بر اساس شرایط جدید اقتصادی، تحریم‌ها یا نیازهای انقلاب اسلامی بازتعریف نمایند و در نتیجه عملکردی جهادی ارائه دهند. در مقام تمثیل می‌توان گفت این کار شبیه همان کاری است که پتروس فداکار با فروبردن انگشت خود در ترک دیواره سد انجام داد؛ یعنی باید ترک‌های ساختاری دیوار نهادهای اقتصادی را ترمیم کنیم. این مسئله یعنی ترمیم و مقاوم‌سازی ساختارهای اجرایی و اداری کشور حسب نیازهای مختلف و مقتضیات زمان و مکان هم امری دور از ذهن نیست. کشورهای توسعه‌یافته نیز در برهه‌هایی از تاریخ اقتصادی خود، مجبور به مقاوم‌سازی ساختارهای اقتصادی شدند. مثلاً غرب پس از دو شوک نفتی ۱۹۷۹ و ۱۹۸۳، اقدام به جایگزینی سوخت‌های فسیلی با سایر سوخت‌های نوین کرد؛ به‌طوری‌که امروزه با قیمت‌های بالای ۱۰۰ دلار نیز دچار شوک نفتی نمی‌شود. با این توضیحات ما امروز فقط نیازمند عزمی ملی برای اجرای این پروژه ملی و ارزشی هستیم.

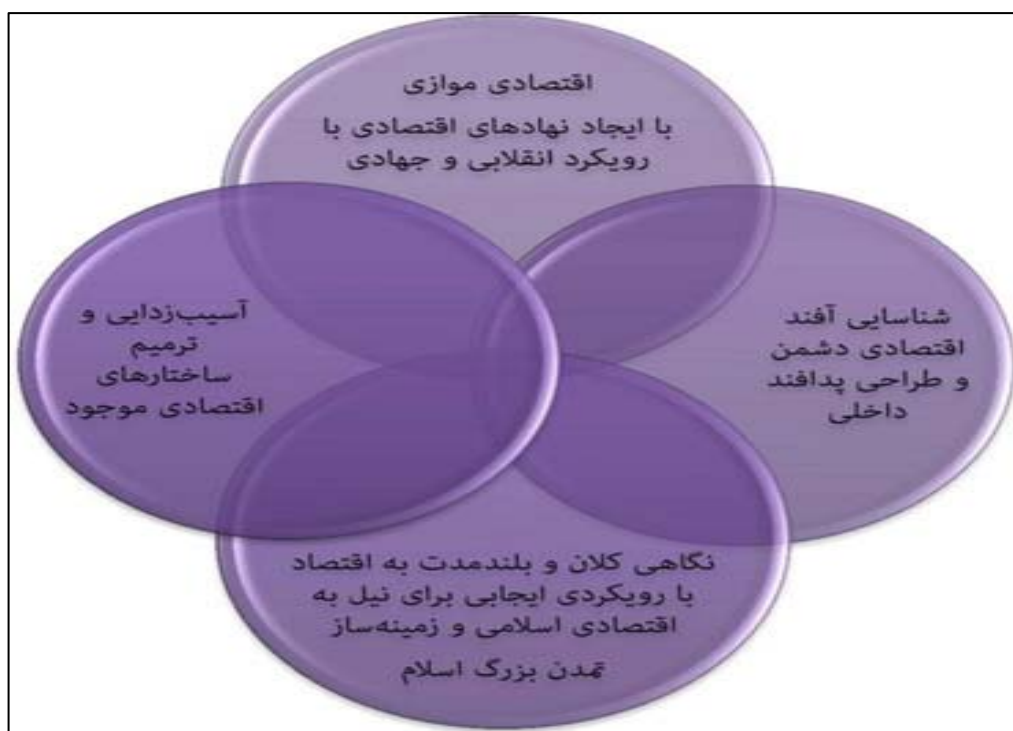
۳-۳. اقتصاد دفاعی

تعریف سوم از اقتصاد مقاومتی، متوجه هجمه‌شناسی، آفندشناسی و پدافندشناسی ما در برابر آن هجمه است. یعنی ما باید ابتدا بررسی کنیم که مخالفان ما حمله به اقتصاد ایران و اختلال در آن را چگونه و با چه ابزارهایی صورت می‌دهند. بنابراین وقتی به اقتصاد مقاومتی دست یافته‌ایم که ابزارها و شیوه‌های هجمه دشمن را پیشاپیش شناخته باشیم و بر اساس آنها استراتژی مقاومت خود را علیه آنان تدوین و اجرا کنیم. بدیهی است تا آفند دشمن شناخته نشود، مقاومت متناسب با آن نیز طراحی و اجرا نخواهد شد.

۳-۴. اقتصاد الگو

چهارمین تعریف نیز این است که اساساً اقتصاد مقاومتی یک رویکرد کوتاه‌مدت سلبی و اقدامی صرفاً پدافندی نیست؛ بر خلاف سه تعریف قبلی که اقتصاد مقاومتی را یا پدافندی یا کوتاه‌مدت می‌دانستند، این رویکرد چشم‌اندازی کلان به اقتصاد جمهوری اسلامی ایران دارد و یک اقدام بلندمدت را شامل می‌شود. این تعریف هم که به‌نظر می‌رسد دور از دیدگاه‌های رهبر معظم انقلاب نیست، رویکردی ایجابی و دوراندیشانه دارد. در این رویکرد، ما در پی اقتصاد ایده‌آلی هستیم که هم اسلامی باشد و هم ما را به جایگاه اقتصاد اول منطقه برساند؛ اقتصادی که برای جهان اسلام الهام‌بخش و کارآمد بوده و زمینه‌ساز تشکیل تمدن بزرگ اسلامی باشد. بدین معنا اساساً در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، یکی از مؤلفه‌های مهم الگو باید متضمن مقاومت و تحقق آن باشد. در این

مقوله است که اقتصاد مقاومتی مشتمل بر اقتصاد کارآفرینی و ریسک‌پذیری و نوآوری می‌شود. البته همه این چهار تعریف از اقتصاد مقاومتی به نوعی با هم رابطه عموم و خصوص من وجه دارند، منتها برخی کوتاه‌مدت و برخی بلندمدت هستند و البته ترکیبی از استراتژی‌های مطلوب را نیز برایمان به تصویر می‌کشند (پیغامی، ۱۳۹۱).



نمودار ۱. مدل اقتصاد مقاومتی بر اساس قابلیت‌های آن برای اقتصاد ایران

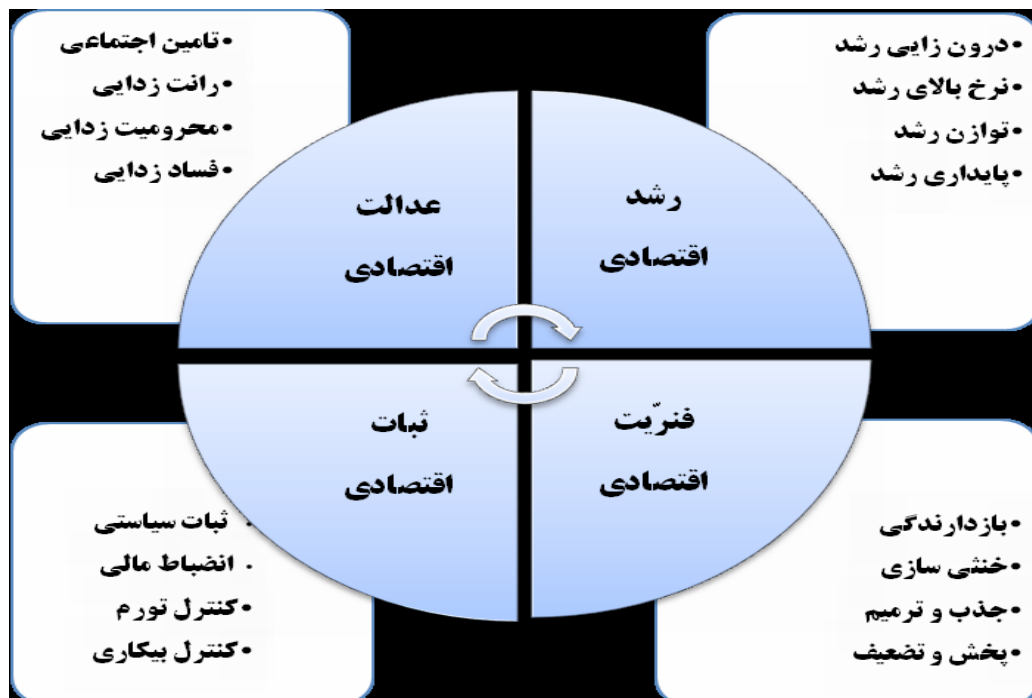
اقتصاد مقاومتی همان اقتصاد رقابتی مبتنی بر بازار است. در این الگو بر تقویت رقابت‌پذیری اقتصاد کشور، افزایش شفافیت، حذف زمینه‌های فسادزا و افزایش مشارکت مردم در فعالیتهای اقتصادی تأکید می‌شود. همچنین توجه اکید به محورهای مثل حفظ و تقویت مراودات تجاری و سیاسی با کشورهای دیگر، توجه به تأمین مالی از خارج، منطقی‌سازی اندازه دولت و کاهش سهم درآمدهای نفتی از منابع بودجه لازم و ضروری است. وی افزود: در مجموع اقتصاد مقاومتی مبتنی بر بازار است و در این راستا سیاست‌های سنجیده در چارچوب نظریه‌های علم اقتصاد به صورت هماهنگ باید به کار گرفته شود. البته این سیاستگذاری‌ها با محدودیت‌هایی مواجه است که اقتصاددانان با علم به این محدودیت‌ها باید به بررسی و رشد شاخص‌هایی مانند نرخ رشد تولید، کاهش نرخ تورم و نرخ بیکاری بپردازند (بازمحمدی، ۱۳۹۳). اقتصاد مقاومتی مفهومی است که در پی

مقاوم‌سازی، بحران‌زدایی و ترمیم ساختارها و نهادهای فرسوده و ناکارآمد موجود اقتصادی مطرح می‌شود که قطعاً باور و مشارکت همگانی و اعمال مدیریت‌های عقلایی و مدبرانه، پیش‌شرط و الزام چنین موضوعی است. اقتصاد مقاومتی کاهش وابستگی‌ها و تأکید روی مزیت‌های تولید داخل و تلاش برای خوداتکایی است. اقتصاد مقاومتی در رویارویی و تقابل با اقتصاد وابسته قرار می‌گیرد. اقتصاد مقاومتی نمی‌پذیرد که صرفاً مصرف‌کننده باشد، منفعل نیست و در مقابل اهداف اقتصاد سلطه‌ایستادگی می‌کند. اقتصاد مقاومتی به‌عنوان یک راهبرد و برنامه برای مدیریت وضعیت اقتصادی ایران در شرایطی که تحریم‌هایی علیه ایران وضع شده، مطرح است. اقتصاد ایران یک اقتصاد رانتیر محسوب می‌شود که تلاش برای بهبود وضعیت اقتصادی بر پایه اقتصاد مقاومتی می‌تواند به افزایش تولید ملی و بومی‌سازی تکنولوژی صنعتی و مدرن منجر شود (میلانی، ۱۳۹۱).

به‌طور کلی اقتصاد مقاومتی دو شاخصه اساسی دارد:

- در برابر تهدیدها و ترفندهای دشمن مقاوم است و کمتر آسیب می‌بیند.
 - تهدید را تبدیل به فرصت کرده و در وضعیت تهدید رشد می‌کند (میرمعزی، ۱۳۹۱).
- اقتصاد مقاومتی یک نظام اقتصادی بسته نمی‌باشد و چنین دیدی نسبت به اقتصاد مقاومتی رشد‌آفرین نیست. منظور از اقتصاد مقاومتی واقعی یک اقتصاد مقاومتی فعال و پویاست نه یک اقتصاد منفعل و بسته چنانکه مقاومت برای دفع موانع پیشرفت و کوشش در مسیر حرکت و پیشرفت تعریف می‌شود. خلاصه‌وار و به‌عنوان مطلعی بر شاخصه‌های اقتصاد مقاومتی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- رهایی از اقتصاد نفتی
 - واردات لجام‌گسیخته دشمن اقتصاد مقاومتی
 - جهش در خودکفایی
 - تقویت بنیان تولید داخلی
 - تقویت بنیان تولید علم و فناوری
 - تقویت دیپلماسی اقتصادی و تجاری
 - پرهیز از غالب کردن بخش مجازی اقتصاد (بازار پولی و مالی) بر بخش حقیقی
 - تقویت تعامل بین پنج حلقه تحقیق، آموزش، ترویج، اجرا و بهره‌برداران (حمیدی‌فر، ۱۳۹۱).
- اقتصاد مقاومتی تنها به مباحث اقتصادی محدود نمی‌شود بلکه در آن به بحث‌های پایه‌هایی مانند عدالت توجه ویژه شده است. توجه و احترام به حقوق انسان‌ها و ثبات سیاسی و توسعه پایدار هم در آن مطرح است. الگوی پیشنهادی و جامع اقتصاد مقاومتی در مجموع بر ۴ مؤلفه رشد اقتصادی، عدالت اقتصادی، فنریت اقتصادی و ثبات اقتصادی تأکید دارد که در نمودار زیر نمایان است.



مأخذ: سیف، ۱۳۹۱.

نمودار ۲. الگوی پیشنهادی اقتصاد مقاومتی

۴. فرصت‌ها و چالش‌ها در راه تحقق اقتصاد مقاومتی

ایده اقتصاد مقاومتی به‌خودی‌خود اجرایی نمی‌شود و برای تحقق آن مشکلاتی سر راه وجود دارد. همچنین پیگیری آن فرصت‌هایی را در اختیار جامعه و اقتصاد ایران قرار می‌دهد. شکل‌گیری اقتصاد مقاومتی نتایج مهمی در بر خواهد داشت: ایجاد مقاومت اقتصادی در برابر فشار دشمن، تضمین رشد اقتصادی در شرایط جنگ اقتصادی، ممانعت از ایجاد اختلال در رفاه عمومی، حل مشکلات مردم و جلوگیری از بیکاری می‌تواند در بهبود وضعیت اقتصاد مؤثر واقع گردد (سیف، ۱۳۹۱).

۴-۱. فرصت مقابله با تحریم‌ها

اقتصاد مقاومتی راه‌حل مناسبی برای مقابله با تحریم اقتصادی است. در شرایط حاضر باید با توجه به تأثیر و تأثر متغیرهای درونی و بیرونی، نقاط ضعف و قوت و منافع آسیب‌زننده، کاستی‌ها، فرصت‌ها و تهدیدها و از همه مهم‌تر بر اساس دستورات دین مبین اسلام و با مبانی اقتصاد اسلامی و با هدف طراحی و ترسیم الگوی اقتصاد اسلامی-ایرانی اقتصاد ایران راه‌های تحقق اقتصاد مقاومتی واقعی را جستجو کنیم. اقتصادی که با آینده‌پژوهی دقیق و عالمانه تمام فرصت‌های آتی دشمن را برای ضربه‌زدن به اقتصاد کشور شناسایی کرده و راهکارهای مناسب را در سطوح مختلف به کار می‌گیرد.

در این صورت است که ما می‌توانیم تهدیدها را تبدیل به فرصت کرده و زمینه جهش کشور را فراهم کنیم (حمیدی‌فر، ۱۳۹۱).

۴-۲. فرصت ایجاد ثبات اقتصادی

اقتصاد مقاومتی را نمی‌توان صرفاً مقاومت اقتصادی دانست، بلکه ایجاد امنیت و ثبات در اقتصاد و عدم تزلزل در برابر شوک‌های خارجی اقتصادی یا همان استقلال اقتصادی از شاخصه‌های بارز اقتصاد مقاومتی است.

۴-۳. حضور و مردمی شدن اقتصاد

طبیعی است زمانی که مردم در اقتصاد کشور مشارکت داده شوند، از بروز بسیاری از مفسده‌های اقتصادی، رانت‌خواری‌ها و ویژه‌خواری‌ها جلوگیری می‌شود. یکی از ارکان اصلی در تحقق اقتصاد مقاومتی، حمایت از تولید ملی است؛ برای حمایت از تولید ملی به یک نهضت عظیم ملی نیاز است، همان‌طور که اراده ملی برای حمایت از کیان کشور در تحریم تنباکو و بستن شیر نفت بر استعمارگران متجلی شد و همان عزم ملی سرانجام پیروزی انقلاب اسلامی را رقم زد، به همان عزم ملی و نهضت مردمی برای خرید کالای ایرانی نیاز است.

۴-۴. فرصت‌سازی برای شفافیت و مبارزه با فساد

اقتصاد مقاومتی لازم است در زیربخش‌های اقتصادی وارد شود، به‌خصوص در بخش کالاهای استراتژیک وارداتی و صادراتی. حوزه فعالیت اقتصاد مقاومتی را می‌توان به دو بخش داخلی و خارجی تقسیم‌بندی نمود، زیرا هر قدر که اقتصاد ایران در خارج نیاز به اقتصاد مقاومتی دارد، در داخل نیز در مقابل مفسدان اقتصادی و سیاسی و رانت‌خواران نیاز به اصلاح امور اقتصادی-سیاسی دارد.

۴-۵. استقلال اقتصادی

اقتصاد مقاومتی را نمی‌توان صرفاً مقاومت اقتصادی دانست، بلکه ایجاد امنیت و ثبات در اقتصاد و عدم تزلزل در برابر شوک‌های خارجی اقتصادی یا همان استقلال اقتصادی از شاخصه‌های بارز اقتصاد مقاومتی است. کاهش وابستگی به درآمد نفت اولین اصل استراتژیک اقتصاد مقاومتی است (خوش‌چهره، ۱۳۹۱). کاهش وابستگی به درآمدهای نفت و گاز به مفهوم کنار گذاشتن نفت و گاز از اقتصاد ملی نیست، بلکه به‌معنای جلوگیری از خام‌فروشی نفت و جلوگیری از ایجاد رانت برای افرادی است که با درآمدهای حاصل از نفت و گاز ارتباط نزدیک دارند.

۴-۶. چالش عدم همگرایی و اجماع نظر

متأسفانه ناهماهنگی و نبود همگرایی درباره تحقق شعارهای اقتصادی به چشم می خورد. به نظر می رسد دستان نامرئی برای ضربه زدن به تولید داخلی، بازار را بی ثبات می کند و طبیعی است که در یک بازار بی ثبات اقتصادی، تولید نمی تواند سر بلند کند. تبلیغات سطح شهر در حمایت از محصولات خارجی به قدری پرهیاهو و اغواکننده است که هر اراده ای برای خرید کالای ایرانی را به سودایی خام تبدیل می کند. مردم به کالای ایرانی بی اعتماد شده اند و این بی اعتمادی، جدای از توطئه های خارجی، ثمره به کارگیری سیاست های اقتصادی نادرست و سودجویی برخی آقازاده ها و پدرخوانده های مافیایی است.

عدم وجود زیرساخت های مناسب اقتصادی از دیگر مشکلاتی است که می تواند تحقق اقتصاد مقاومتی را با مشکل مواجه سازد. بسیاری از طرح های اقتصادی نیمه کاره مانده اند و بنگاه های تولید در حالت نیمه تعطیل هستند. این مشکل باید با مدیریت جهادی برطرف گردد و باید با رونق بخشیدن به اقتصاد و استحکام پایه های اقتصادی در راه تحقق اقتصاد مقاومتی تلاش کرد.

اقتصاد تک محصولی ایران و اتکا به منابع زیرزمینی و نفت و گاز هرچند درآمد خوبی را نصیب کشور می کند، اما از نظر وابستگی به یک محصول و داشتن اقتصادی رانته همواره تهدیدهایی متوجه اقتصاد ایران است و برای کاهش وابستگی به نفت باید استراتژی توسعه اقتصادی با سیاست های بلندمدت مورد توجه واقع شود (مشایخی، ۱۳۶۳).

۵. راهکارهایی برای تحقق اقتصاد مقاومتی

دو تغییر عمده باید رخ دهد تا اقتصاد مقاومتی تحقق یابد: نخست اینکه در منظومه هدف های نظام اقتصادی اسلام استقلال اقتصادی در الویت اول قرار گیرد و به تبع آن الویت بندی اصول راهبردی نظام تغییر کرده و سیاست های کلی متناسب با تغییرهای جدید تنظیم شود. دوم اینکه جهاد اقتصادی بر مردم و مسئولین واجب فرض شود (میرمعزی، ۱۳۹۱).

در اصل ۴۴ قانون اساسی تأکید شده است که با اجرای سیاست های به هنگام در خصوص واگذاری های دولتی به مردم، عملکرد مدیریتی و بهره وری بهبود یابد و مسیر حرکت از اقتصاد دولتی به اقتصاد پویا فراهم شود؛ از طرف دیگر می دانیم که بخش خصوصی تحت تأثیر و فشار و محدودیت های کمتری نسبت به بخش دولتی می باشد. بر این اساس تقویت نقش و عملکرد این بخش ها می تواند تا حدودی از مشکلات ناشی از تحریم بکاهد و مقاومت اقتصاد را در مقابله با محدودیت های پیش رو بالا ببرد.

با حمایت از افزایش تولید و بهره‌وری و بالا بردن سطح رفاه عمومی می‌توان پویایی را به اقشار جامعه بازگرداند و آسیب‌پذیری ناشی از تحریم‌ها را کمرنگ و به تحقق اقتصاد مقاومتی کمک نمود (حیدری، ۱۳۹۱). محدودیت‌نگری و خام‌خیالی به‌ویژه در رده‌های نظام تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری را باید کنار بگذاریم (خوش‌چهره، ۱۳۹۱). تأکید بر مفهوم مدیریت استراتژیک و کلان‌نگری از راهبردهای اصلی اقتصاد مقاومتی است؛ زیرا بخشی‌نگری و جزیره‌ای عمل کردن آفت مدیریت در کشور ماست. اگر اقتصاد مقاومتی با هماهنگی نیروها و بخش‌های مختلف اجرا شود توان تحول ساختاری در اقتصاد و تبدیل تهدیدها به فرصت را داراست (هزاوئی و زیرکی، ۱۳۹۳).

استفاده از همه ظرفیت‌های دولتی و مردمی؛ مردمی کردن اقتصاد؛ تحول در شرایط اقتصاد از طریق اجرای سیاست‌های اصل ۴۴، توانمندسازی بخش خصوصی؛ کاهش وابستگی به نفت؛ جایگزینی درآمدهای نفتی با درآمدهای غیرنفتی؛ بنیان‌گذاری کارهای اقتصادی بر پایه دانش و تبدیل شدن اقتصاد دانش‌بنیان به وجه غالب اقتصاد کشور؛ حمایت از تولید ملی؛ فعال کردن واحدهای تولیدی کوچک و متوسط؛ تعادل در مصرف و مدیریت مصرف با جایگزینی و ترجیح تولیدات داخلی با کالاهای خارجی؛ مبارزه با مفاسد اقتصادی؛ مدیریت درست منابع ارزی؛ مدیریت مصرف و فرهنگ‌سازی برای جلوگیری از اسراف؛ استفاده حداکثری از زمان و منابع و امکانات؛ حرکت بر اساس برنامه و پرهیز از تصمیم‌های خلق‌الساعه و تغییر مقررات؛ صیانت از وحدت و همبستگی (سیف، ۱۳۹۱).

- نقطه شروع اقتصاد مقاومتی، سیاست‌گذاری برای اصلاح الگوی مصرف است. مصرف، تولید را جهت می‌دهد و این‌دو در کنار هم، جهت سرمایه‌گذاری را مشخص می‌کنند. رونق تولید داخلی و کاستن از وارداتی که می‌تواند به افول و کم‌رونی و توقف واحدهای تولیدی داخلی منجر شود، استقلال اقتصادی، قطع وابستگی به خارج، ارتقای تکنولوژی در سطح کلان‌تر شکل می‌گیرد البته باید به گونه‌ای عمل کرد که اقتصاد مقاومتی به معنای تحمیل فشار به مردم نباشد.

- افزایش بهره‌وری در تولید، کاهش قیمت تمام‌شده تولیدات، کیفیت بهتر و خدمات بیشتر در رقابت با تولیدات خارجی و کاهش واردات، حمایت از تولید ملی به‌ویژه تولیدات استراتژیک.

- کاهش آمار بیکاری و خشکاندن ریشه‌های فقر و آسیب‌های اجتماعی ناشی از بیکاری در جامعه

- فعال‌سازی سیستم‌های حمایتی پولی و مالی و بیمه‌ای بخش تولید برای تحرک در اقتصاد

داخلی و نیز حمایت از صادرات کالاهای غیرنفتی

- افزایش واردات دانش فنی، خطوط تولید و ماشین‌آلات در ازای کاهش واردات کالاهای مصرفی با توجه به اهمیت این نوع معاملات در عصر اطلاعات همزمان با تولید علم و تولید دانش فنی و حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان

- تداوم سیاست‌های مربوط به خودکفایی کالاهای اساسی مانند: گندم، روغن، شکر یا حداقل ترتیباتی برای یک اقتصاد ترکیبی مقاومتی در اینباره و با توجه به فقدان طبیعی استعداد کشور برای خودکفایی کامل، نوع همسازی با دیگر کشورها و کانون‌های اقتصادی دنیا باید در راستای اهداف استراتژیک کشور شکل گیرد.

- توجه به معضل تورم و برقراری یک نظام قابل پیش‌بینی و قابل مدیریت در قبال شاخص تورم و تطبیق آن با سطح حقوق و دستمزدها و نیز قیمت ارز در پیشگیری سیاست‌های بهینه در این فرایند - تبدیل تهدیدها به فرصت‌ها در روند تأمین کالاها به این معنا که به محض اعمال تحریم در برخی از کالاها، شکل‌دهی به عزم ملی در حوزه فناوری و صنعت و تجارت برای ایجاد خودکفایی کامل یا حداقل خود اتکایی در تولید و تأمین این اقلام لازمه اقتصاد مقاومتی است. نباید اجازه داد در مورد فشارها و تهدیدهای اقتصادی، بزرگ‌نمایی شود. ضمن آن که تحریم کاغذپاره نیست و نباید از آن استقبال کرد.

- کاهش اتکا به نفت از طریق کاهش واردات و افزایش صادرات غیرنفتی یا کالاهای استراتژیک متکی بر نفت مانند پتروشیمی

- برقراری ارتباطات خاص اقتصادی با برخی از کشورهای دوست، گسترش ارتباطات اقتصادی با کشورها و بلوک‌های منطقه‌ای و متکثر کردن شرکای تجاری از یک شریک عمده به چند شریک کوچکتر

- تلاش برای جلوگیری از اجماع در قبال نظام اسلامی در سطح بین‌الملل. باید این مهم با توجه به آسیب‌پذیری‌های اقتصاد جهانی و جاذبه‌های اقتصادی و تجاری ایران و توانایی‌های شکل‌گرفته در توسعه اقتصادی و فناوری کشور ساماندهی شود.

- ایجاد شرکت‌های مشترک یا ایجاد ارتباطات مؤثر شرکت‌ها و مؤسسات ایرانی با برخی از مؤسسات خارجی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی برای تعامل و تأمین در موارد ضروری در فناوری و تجهیزات فنی و کالا به‌نحوی که با وجود تلاش استکبار، امکان مداخله و فشار خارجی در این خصوص فراهم نشود، ضمن اینکه ایجاد اینگونه ارتباطات بین بخش خصوصی کشور با هم‌تایان خارجی آنها مؤثرتر خواهد بود.

- تلاش برای جلوگیری از ایجاد اجماع و تحریم بانکی و وجود تحرک برای ارتباطات مؤثر بانکی و بیمه و حمل‌ونقل با استفاده از امکانات خارج از سلطه قدرت‌های مخالف

- مراقبت از توانمندی حمل‌ونقل کشور و جلوگیری از ایجاد انسداد و محدودیت توسط استکبار در قبال حمل‌ونقل به‌ویژه حمل‌ونقل دریایی و واکنش مناسب در صورت نزدیک شدن دشمن به این عرصه

- شکل‌گیری روحیه جهاد اقتصادی، تولید ملی و حمیت ایرانی. ضمن آنکه برای تقویت اقتصادی ملی دیپلماسی اقتصاد مقاومتی نیز لازم است. هدف از این نوع دیپلماسی تبیین دستاوردهای اقتصاد مقاومتی در مقابل فشارهای وارده است. فشارها در مورد کالای مصرفی و شاخص‌های روزمره اقتصادی وارد می‌شود، اما دستاوردهای مقاومت کشور دستاوردهایی استراتژیک و بلندمدت هستند همچون خودکفایی در تکنولوژی‌ها و فناوری‌های برتر (هسته‌ای) استقلال در سیاست خارجی و

- خودداری از اسراف و ضایع کردن کالاها و ذخیره‌سازی کالاهای اساسی در ابعاد حجیم توسط دولت و انبارک‌های کوچک و هدایت‌شده و هوشمند توسط مردم (مانند کشور سوئیس) حتی در زمان صلح و آرامش جهت تأمین امنیت غذایی مردم

- برقراری ارتباطات فراوان متکثر بین اقتصاد ملی و اقتصاد جهانی که برای نظام استکبار غیرقابل کنترل است و احتیاط در ارتباطات بزرگ که مورد تهدید واقع شود.

- آمادگی برای انجام اقدامات مقابله‌به‌مثل در برخی موارد با توجه به مزیت‌های استراتژیک نظام اسلامی از جهت تسلط بر آبراه‌ها، منابع نفتی، موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک (عسکری، ۱۳۹۱).

در مجموع حمایت از تولید ملی و توجه به پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های داخلی در زمینه‌های مختلف اعم از کشاورزی، صنعتی و ...، فاصله گرفتن از اقتصاد تک‌محصولی و رانتی در راستای کاهش وابستگی اقتصادی به نفت و رفع تهدیدات احتمالی، توجه به نخبگان و استفاده از فناوری‌های نوین و حمایت از اقتصاد دانش‌بنیان، مهار سوداگری و فساد، و عدم نگاه باندی و جناحی به منابع و مدیریت اقتصادی کشور و اجماع‌نظر بین مسئولین بر سر منافع ملی و حیاتی کشور، مردمی‌سازی اقتصاد و تلاش برای تقویت بخش خصوصی و ایجاد رقابت سالم و کارساز برای دست یافتن به توسعه اقتصادی، تعامل مثبت با اقتصاد جهانی و عدم رودر رویی با آن و اخذ تجربه‌های موفق جهانی و بومی‌سازی آنها برای تحقق اقتصاد مقاومتی لازم و حیاتی می‌باشند (میلانی، ۱۳۹۱).

۶. جمع بندی

ایده اقتصاد مقاومتی ابتدا از جانب رهبر معظم انقلاب مطرح شد. از نظر ایشان، دشمن در موضوع تهدید اقتصادی در پی جدا کردن مردم از نظام اسلامی است. با دقت در بیانات مقام معظم رهبری مؤلفه‌ها و محورهای اقتصاد مقاومتی قابل استخراج است. از نظر ایشان، اقتصاد مقاومتی موجب می‌شود در شرایط فشار روند روبه‌رشد اقتصادی و شکوفایی در کشور محفوظ بماند و آسیب‌پذیری آن کاهش پیدا کند. شکل‌گیری اقتصاد مقاومتی نتایج مهمی خواهد داشت که در بیانات مقام معظم رهبری به آنها تصریح شده است. همچنین اقتصاد مقاومتی شرایط و الزاماتی دارد که استفاده از همه ظرفیت‌های دولتی و مردمی، تحول در شرایط اقتصاد از طریق اجرای سیاست‌های اصل ۴۴، توانمندسازی بخش خصوصی و کاهش وابستگی به نفت از جمله آنهاست. بر اساس مؤلفه‌هایی که از بیانات مقام معظم رهبری استخراج شد، می‌توان الگوی اقتصاد مقاومتی ایران را با چهار مؤلفه اساسی شامل رشد اقتصادی، عدالت اقتصادی، ثبات اقتصادی و فنریت اقتصادی پیشنهاد کرد. راهبردهای فنریت اقتصادی شامل موارد چهارگانه راهبردهای بازدارندگی، راهبردهای خنثی‌سازی، راهبردهای جذب و ترمیم و راهبردهای پخش و تضعیف است.

تحقق اقتصاد مقاومتی نیاز به همت همه‌جانبه مسئولین و مردم دارد لازم است به تولید ملی بها داده شود، تلاش شود تا اقتصاد کشور از وضعیت تک‌محصولی نجات پیدا کند. باید به تولیدات داخلی و بومی‌گرایی بها داده شود و زیرساخت‌های اقتصادی کشور توسعه یابند و بر مبنای اقتصاد اسلامی الگوی اقتصاد مقاومتی مطابق با شرایط و وضعیت اقتصادی کشور تبیین گردد.

منابع

- بازمحمدی، حسین (۱۳۹۳)، "رقابت رکن اصلی اقتصاد مقاومتی است"،
www.ehavadar.ir/index.php38833.
 پیغامی، عادل (۱۳۹۱)، "اقتصاد مقاومتی، اقتصاد دفاعی یا ترمیمی"، قابل دسترس در
<http://farsi.khamenei.ir/others-note?id=20551>.
 حسین‌زاده بحرینی، محمد حسین (۱۳۹۲)، "اقتصاد مقاومتی راهکاری برای توسعه"، مشکوه، بهار، شماره ۱۱۸.
 دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای (۱۳۹۱)، *اقتصاد مقاومتی و حمایت از سرمایه ایرانی*.
 حیدری، زهره (۱۳۹۱)، "اقتصاد مقاومتی از منظر اقتصاد اسلامی"، قابل دسترس در
<http://www.tebyan.net/newindex.aspx?pid=220075>.
 حمیدی‌فر، ریحانه (۱۳۹۱)، "راهکاری به نام اقتصاد مقاومتی"، قابل دسترس در
<http://www.tebyan.net/newindex.aspx?pid=212705>.
 خوش‌چهره، محمد (۱۳۹۱)، "اصل استراتژیک اقتصاد مقاومتی"، در
<http://www.tebyan.net/newindex.aspx?pid=217374>
 رضایی، محسن (۱۳۹۱)، "هدف از اقتصاد مقاومتی چیست؟"، به نقل از
<http://www.tebyan.net/newindex.aspx?pid=218340>.
 رهبر، فرهاد؛ سیف‌الدین، امیرعلی و امیرحسین رهبر (۱۳۹۳)، "رهیافتی بر هستی‌شناسی اقتصاد مقاومتی؛ تلاشی
 در جهت نگاه اسلامی به گذار سیستم‌های اقتصادی-اجتماعی"، *روش‌شناسی علوم/انسانی*، سال ۱۹، شماره ۷۸، بهار.
 سایت تبیان (۱۳۹۱)، "اقتصاد مقاومتی در مقابل نقاط ضعف اقتصاد"، به آدرس:
<http://www.tebyan.net/newindex.aspx?pid=222302>.
 سیف، اله‌مراد (۱۳۹۱)، "الگوی پیشنهادی اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران"، *فصلنامه آفاق/امنیت*، سال ۵،
 شماره ۱۶، پاییز.
 عسگری، علی (۱۳۹۱)، "۱۸ راهکار عملیاتی در اقتصاد مقاومتی"، *روزنامه جام‌جم*، شماره ۳۵۱۵، دوشنبه ۳ مهر.
 مشایخی، علینقی (۱۳۶۳)، *دورنمای آینده توسعه اقتصادی ایران بر پایه نفت*، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
 میرمعزی، سیدحسن (۱۳۹۱)، "اقتصاد مقاومتی و ملزومات آن با تأکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری"،
اقتصاد اسلامی، پاییز، شماره ۴۷.
 میلانی، جمیل (۱۳۹۳)، "اقتصاد مقاومتی آری، مقاومت اقتصادی نه"، در سایت
<http://tnews.ir/news/۳۴A۱۲۹۱۸۲۰۷۸.html>.
 هزاوئی، سیدمرتضی و علی زیرکی‌حیدری (۱۳۹۳)، "اقتصاد مقاومتی؛ نماد مدیریت جهادی در اقتصاد سیاسی ایران"،
مطالعات انقلاب اسلامی، تابستان، سال ۱۱، شماره ۳.
 Briguglio, Lino & Stephen Piccinino (2009), "Growth and Resilience in East Asia
 and The Impact of the 2009 Global Recession", Available at: http://www.um.edu.mt/_data/assets/pdf_file/0011/141959/Growth_with_Resilience_in_Asia_5
 Dec 2011. Pdf.